

نقش دیپلماسی علمی در همگرایی جهان اسلام

سید آصف کاظمی^۱ / جواد جعفری^۲

چکیده

دیپلماسی علم و فناوری، پلی میان همکاری‌های پژوهشی و اهداف راهبردی سیاسی، در جهان اسلام می‌تواند واگرایی‌های ژئوپلیتیکی را کاهش و همگرایی را افزایش دهد. این پژوهش کیفی (با مطالعه اسنادی و تحلیل محتوا) نشان می‌دهد که پروژه‌های بنیاد مصطفی، برنامه‌های COMSTECH، جوایز علمی بین‌المللی، همکاری علمی برخی کشورها، ظرفیت نهاد وقف و نقشه راه توانمندسازی علمی با ایجاد شبکه‌های اجتماعی فراملی و سرمایه اجتماعی مشترک راهبردهای علمی و عملی هستند که از عوامل کلیدی در همگرایی جهان اسلام به شمار می‌آیند. با وجود چالش‌های تحریم، تفاوت‌های فقهی، ضعف زیرساخت‌ها، رقابت‌های ژئوپلیتیک، نبود انعکاس مستقیم در اسناد کلان کشور و سهم ناچیز برخی کشورها در تولیدات علمی حوزه دیپلماسی علمی و حکمرانی داده، راهبردهایی چون تبادل دانشجویان، همکاری دانشگاه-صنعت، تقویت نهادهای فراملی، عملیاتی‌سازی و توسعه حکمرانی داده پیشنهاد می‌شود. پژوهش بر نقش ارتباطات و دیپلماسی علمی و فناوری و ضرورت برنامه‌ریزی جدی برای ارتقای جایگاه علمی تأکید دنیای اسلام تأکید دارد.

واژگان کلیدی: دیپلماسی علمی، همکاری‌های علمی، همگرایی جهان اسلام، COMSTECH، قدرت نرم، جایزه مصطفی.

^۱ دکتری تاریخ معاصر جهان اسلام، مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی و پژوهشگر همکار پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ص)، syedasef_kazemi@miu.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد تاریخ تمدن اسلامی مجتمع آموزش عالی تاریخ و سیره و ادیان، جامعه المصطفی العالمیه، j.jafari1357@gmail.com.

مقدمه

جهان اسلام در قرن بیست یکم با انبوهی از چالش‌های ژئوپلیتیک، اقتصادی و فرهنگی روبه‌روست که حاصل آن واگرایی، تفرقه و دوری از آرمان «امت واحده» است؛ آرمانی که ریشه در عمیق‌ترین لایه‌های تعالیم قرآنی و سنت نبوی دارد و همواره به‌عنوان چشم‌اندازی راهبردی برای مسلمانان ترسیم شده است. در چنین فضایی، بازگشت به ظرفیت‌های بنیادین فرهنگ اسلامی، به‌ویژه علم‌محوری که از ویژگی‌های ممتاز تمدن اسلامی در دوران شکوفایی آن بود، می‌تواند نقبی نوین به سوی همگرایی بگشاید. علم در اسلام نه تنها ابزاری برای شناخت حقیقت و آبادانی زمین، بلکه عامل پیونددهنده دل‌ها، زداينده مرزهای ساختگی و زمینه‌ساز شکل‌گیری تمدنی پویا و یکپارچه شمرده شده است؛ ازاین‌رو، احیای نقش علمی مسلمانان و بازسازی شبکه‌های علمی فراملی، در حقیقت بازگشت به هویت گم‌شده‌ای است که می‌تواند به‌جای رقابت‌های ویرانگر منطقه‌ای، فضای هم‌افزایی و تعامل سازنده را حاکم کند.

دیپلماسی علم و فناوری، به‌مثابه رویکردی نوین و میان‌رشته‌ای در روابط بین‌الملل، این ظرفیت را دارد که از همکاری‌های صرفاً پژوهشی فراتر رفته و به هدفی استراتژیک برای کاهش تنش‌ها، ایجاد اعتماد متقابل و تقویت سرمایه اجتماعی مشترک در میان کشورهای اسلامی تبدیل شود. این نوع دیپلماسی با تکیه بر نهادهای علمی، جوایز بین‌المللی، تبادل استعدادها، همکاری‌های دانشگاهی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی مانند نهاد وقف، زمینه‌ساز گذاری تدریجی از «من»‌های متکثر به «ما»یی همگرا و تمدن‌ساز است و مسیر را برای تبدیل شدن جهان اسلام به کانونی برای تولید علم و نوآوری تبدیل کند و آن را از حاشیه‌نشینی تاریخی به عرصه قدرت جهانی بازگرداند.

با وجود موانع جدی چون تحریم‌ها، اختلافات فقهی، ضعف زیرساخت‌ها، رقابت‌های ژئوپلیتیک و سهم ناچیز برخی کشورها از جمله ایران در حوزه دیپلماسی علمی و حکمرانی داده، تدوین راهبردهای جامع و عملیاتی، گسترش همکاری‌های دانشگاه-صنعت، تقویت نهادهای فراملی، و توسعه حکمرانی داده، می‌تواند افق‌های تازه‌ای برای همگرایی بگشاید. آنچه این نوشتار بر آن تأکید دارد، این است که علم و فناوری، اگر با درکی صحیح از ظرفیت‌های تاریخی، فرهنگی و دینی جهان اسلام همراه شود، می‌تواند نه فقط به توسعه اقتصادی و فنی، بلکه به تحقق آرمان دیرینه وحدت اسلامی یاری رساند و تمدن نوینی را بر پایه تعاون، دانایی و همدلی پایه‌ریزی کند.

۱. مفاهیم کلیدی و ادبیات پژوهش

۱-۱. همگرایی

همگرایی در چارچوب فرهنگ علوم سیاسی به فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن، جوامع از خواست و قدرت هدایت مستقل سیاست‌های عمده و اساسی خود چشم می‌پوشند و سعی می‌کنند به تصمیم‌های مشترک و هماهنگ دست یابند. از این منظر، همگرایی میان کشورها و دولت‌ها ناشی از جبر و اضطرار نیست، بلکه محصول ویژگی‌های مشابه و اراده همگن جهت پیوستگی بر اساس آن ویژگی‌ها است. (عیوضی و نصرالهی، ۱۳۹۱: ۳) همگرایی به لحاظ مفهومی عبارت است از نزدیک شدن افراد به سمت هدف مشترک که واگرایی در برابر آن به معنای جدایی از همدیگر و حرکت به سوی هدف‌های خاص است. (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۷۳) ارنست هاس، پایه‌گذار نظریه همگرایی، همگرایی را پروسه‌ای می‌داند که به وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد می‌شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی‌شان را به سمت مرکز جدیدی که نهادهایش از اختیارات قانونی برخوردار باشند، سوق دهند. (سیف زاده، ۱۳۶۸: ۱۹۱) در یک دسته‌بندی تحلیلی، می‌توان همگرایی را در چهار سطح بررسی کرد: هویت، هدف، انسجام و انطباق. در سطح هویت، مسئله حفظ یا تغییر هویت‌های پیشین مطرح است؛ در سطح هدف، وحدت مقاصد و آرمان‌ها؛ در سطح انسجام، تنظیم هنجاری روابط بر مبنای اصول مشترک ارزشی؛ و در سطح انطباق، هماهنگی در قواعد و مقررات. (محمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴-۵) بنا بر این همگرایی در جهان اسلام به فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن کشورهای مسلمان از استقلال سیاست‌های جداگانه چشم‌پوشی کرده و بر مبنای منافع مشترک (اقتصادی، فرهنگی و علمی) تصمیم‌گیری کنند (کاظمی، ۱۴۰۴: ۱۵۰). بر اساس نظریه کارکردگرایی، همگرایی از طریق همکاری‌های فنی مانند علم و فناوری گسترش می‌یابد. گسترش ارتباطات و دیپلماسی اقتصادی، سیاسی و علمی در شکل‌گیری همگرایی در جهان اسلام نقش فراوان دارد؛ زیرا همکاری‌ها نخستین شرط همگرایی بوده و جهان اسلام زمینه‌ها، امکانات و ظرفیت‌های اقتصادی، فرهنگی و تمدنی ارزشمندی دارد. بنابراین با گسترش این روابط، سطح همبستگی و همگرایی میان مسلمانان و کشورهای اسلامی افزایش خواهد یافت و در نهایت به تحقق همگرایی در جهان اسلام منجر می‌شود. این مدل چهار مرحله‌ای شامل تحلیل وضع موجود، سناریوی محتمل، آینده آرمانی و برنامه اجرایی است که می‌تواند به‌طور مشابه برای دیپلماسی

علمی نیز به کار گرفته شود.

برای گسترش این مفهوم، باید گفت که همگرایی نه تنها به معنای اتحاد سیاسی، بلکه شامل هویت فرهنگی مشترک، همکاری اقتصادی، تبادل دانش و کاهش تفاوت‌های فقهی و مذهبی است. در واقع، همگرایی جهان اسلام فرآیندی داوطلبانه و از پایین به بالا است که از طریق نهادهای فراملی مانند سازمان همکاری اسلامی و کومستک (COMSTECH) پیشبرد می‌شود. (کاظمی، ۱۴۰۴: ۱۵۵) معتقد است که حج نقش بنیادینی در تحکیم وحدت امت با تقویت هویت مشترک امت اسلامی، ایجاد ارتباطات میان فرهنگی میان مسلمانان، بازتولید ارزش‌های اصیل توحیدی و عدالت‌محور و ایجاد بستری برای تعامل میان نخبگان کشورهای اسلامی ایفا می‌کند. از سوی دیگر اختلافات فرقه‌ای، تفاسیر سیاسی غالب، رویکردهای امنیتی در مدیریت مراسم و نفوذ قدرت‌های مستکبر از جمله عوامل اصلی تضعیف این ظرفیت هستند. بازتعریف فلسفه اجتماعی حج در چارچوب گفتمان تمدن نوین اسلامی و تقویت دیپلماسی فرهنگی میان کشورهای مسلمان می‌تواند نقش مؤثری در احیای کارکردهای همگرایانه این فریضه الهی ایفا کند (کاظمی، ۱۴۰۴: ۱۶۰). این بازتعریف می‌تواند الگویی برای بازتعریف کارکردهای دیپلماسی علمی نیز فراهم آورد.

در مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، بین‌المللی شدن آموزش عالی به عنوان عامل کلیدی همگرایی برجسته شده است. وجود مزیت‌های نسبی بسیار برای گسترش و تعمیق همکاری‌های علمی بین‌المللی میان کشورهای اسلامی، واگرایی شدید میان کشورهای اسلامی در عرصه همکاری‌های علمی بین‌المللی، غرب‌گرایی و داشتن اسطوره غرب مدینه فاضله در میان اندیشمندان، محققان و متخصصان کشورهای اسلامی، لزوم تقویت درگاه‌های همکاری‌های علمی میان کشورهای اسلامی و لزوم انعقاد پیمان‌های بین‌المللی در عرصه همکاری‌های آموزشی، پژوهشی و فناورانه میان کشورهای اسلامی از نتایج اصلی مطالعات است (صنیع‌اجلال و حسینی‌مقدم، ۱۳۹۹: ۱۴۶). این نتایج نشان می‌دهد که همگرایی علمی نیازمند غلبه بر واگرایی‌های موجود و ایجاد زیرساخت‌های نهادی مشترک است.

جهان اسلام

ملاک و معیارهای متفاوتی را می‌توان برای تعریف جهان اسلام در نظر گرفت و ارائه یک معیار و شاخص فراگیر برای تعریف این مفهوم، امکان‌پذیر نیست. مفهوم جهان اسلام در

دهه‌های اخیر رواج یافته است و مرکب از دو واژه «جهان» و «اسلام» است که به تدریج در ترکیب‌های گوناگون و با کاربردهای گوناگون به کار رفته است. مجموعه‌ای از کشورها با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص که مشخصه اصلی و مشترک اعضای یک کلیت در قرن اخیر است، واژه جهان اطلاق گردیده است. اصطلاح جهان اسلام، اول بار در سال ۱۹۰۶ در کتاب ساموئل مارینوس زویمر^۱ با عنوان «The Mohammadan world of today» ذکر شده است و قبل از آن جغرافی‌دانان متقدم اسلامی از اصطلاح سرزمین‌های اسلامی، مملکت اسلامی، مملکت اسلام و بلاد اسلامی استفاده می‌کرده‌اند. (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۱-۳)

در تعریف این مفهوم اندیشمندان معیارهای مانند معیارهای فرهنگی، (مستوفی‌الممالکی، ۱۳۸۲: ۱۵) میزان جمعیت (اسعدی، ۱۳۶۶، ۱: اول) و یا عضویت در سازمان همکاری اسلامی را در نظر گرفتند. (گلی زواره، ۱۳۷۲: ۶۱) به طور خلاصه از چهار رویکرد عمده برای تعریف جهان اسلام می‌توان یاد کرد: ۱. رویکرد بین‌المللی و دولت-ملت محور، شامل کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی؛ ۲. رویکرد کشور محور، یعنی کشورهای که دارای اکثریت جمعیت مسلمان هستند؛ ۳. رویکرد جمعیت محور، شامل جمعیت مسلمانان در هر نقطه-ای از کره زمین ۴. رویکرد امت محور.

بسیاری از دانشمندان در تعریف این مفهوم، معیار فرهنگی را مهم‌ترین معیار می‌دانند. راینهارد شولتسه معتقد است که اصطلاح جهان اسلام توصیفی است چشم‌گیر برای مجموعه‌ای از کشورها، مناطق و جامعه‌های که در آن‌ها مسلمانان در اکثریت‌اند و از قرن هفدهم میلادی به اعتبار انکشاف تاریخی فرهنگ اسلامی باهم پیوند می‌یابند. این اصطلاح توجه برانگیز است، زیرا وحدتی فرهنگی میان همه مسلمانان را مفروض می‌گیرد و برای این وحدت، ارزشی بیش از همه ویژگی‌های ملی و سنت‌های اجتماعی-تاریخی قائل می‌شود. از این‌رو و رای اصطلاح جهان اسلام این تصور نهفته است که این جهان، وحدت خود را به وسیله دین اسلام حفظ کرده است؛ بنابراین جهان اسلام، همچون مکانی تلقی می‌گردد که به وسیله اعتقاد ساکنین آن به اسلام تعیین یافته است. این تلقی، برخی جغرافیدانان فرهنگی را بر آن داشته تا از جهان اسلام به مثابه «سرزمین فرهنگی» با ویژگی‌های قومی یاد کنند. (شولتسه، ۱۳۸۹: ۱)

1 Samuel Marisnus Zwemer

از آنجایی که این مفهوم تاکنون تغییر و تحول زیادی یافته است و امروزه نمی‌توان عنصر دولت، ملت و امت را از تعریف این مفهوم حذف کرد، زیرا دو مفهوم دولت و ملت از عناصر کلیدی جهان امروز است و عنصر امت نیز پیشینه تاریخی این مفهوم را تشکیل می‌دهد که مفاهیم مانند «دارالاسلام» نشانگر آن است، می‌توان گفت جهان اسلام عبارت است از مجموعه‌ای از گروه‌ها و کشورها که ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تمدنی، تاریخی و فرهنگی خاص، آنان را به عنوان یک کل پیوسته باهم مرتبط می‌سازند و از طریق گسترش همان ویژگی‌ها، پابندی و ارتباط خود را حفظ و در جهت یکپارچگی آن تلاش می‌کنند.

۱-۲. دیپلماسی و انواع آن

دیپلماسی علم و فناوری مفهومی میان‌رشته‌ای است و حوزه‌هایی مانند علم و فناوری، روابط بین‌الملل، سیاست خارجی، حوزه نظامی و حوزه گفت‌وگویی مهم‌ترین منابع مفهومی تشکیل‌دهنده آن هستند (سعیدی، ۱۴۰۴: ۶۹). دیپلماسی کلاسیک شامل مذاکره سیاسی است، اما دیپلماسی علمی به استفاده از علم برای اهداف دیپلماتیک اشاره دارد. در ادبیات ایران، دیپلماسی علمی به همکاری‌های بین‌المللی پژوهشگران برای رفع مشکلات مشترک تعبیر می‌شود. کاظمی در زمینه اقتصادی، دیپلماسی اقتصادی را پیش‌نیاز همگرایی می‌داند (کاظمی، ۱۴۰۳: ۲۸).

دیپلماسی علمی سه نوع اصلی دارد: دیپلماسی سیاسی (از طریق مذاکرات)، دیپلماسی فرهنگی (تبادل ارزش‌ها) و دیپلماسی علمی-فناورانه (همکاری‌های پژوهشی). در این میان، همکاری‌های علمی به عنوان دیپلماسی نرم، قدرت‌های نرم را تقویت می‌کند و به کشورها کمک می‌کند تا از قدرت سخت به قدرت نرم گذار دهند. مثال‌های موفق در ترکیه و مالزی نشان می‌دهد که چنین دیپلماسی‌ای به کاهش وابستگی علمی و افزایش سهم از بازارهای جهانی منجر شده است.

دوازده رویکرد جهانی به دیپلماسی علم و فناوری شناسایی شده است که شامل نفوذ، وابستگی، پیوندادن، همکاری، توسعه علم، فرصت‌سازی، مشارکت، جذب، نوآوری، برندسازی، بسیج علمی و رویکرد جهانی علم است. جمهوری اسلامی ایران به هفت رویکرد در این حوزه توجه دارد. (باغبان و سنایی، ۱۴۰۳: ۴۴) این تنوع رویکردها نشان‌دهنده پیچیدگی و اهمیت دیپلماسی علمی در سیاست خارجی معاصر است. هر یک از این رویکردها می‌تواند بسته به شرایط کشور هدف و اهداف سیاست خارجی مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال رویکرد نفوذ

می‌تواند در روابط با کشورهای هم‌سطح به کار رود در حالی که رویکرد همکاری در روابط با کشورهای مستضعف مناسب‌تر است.

به طور کلی اهداف کشورها در حوزه دیپلماسی علمی را می‌توان به دو دسته اهداف ملی و اهداف منطقه‌ای یا جهانی تقسیم نمود اهداف ملی را نیز میتوان به دو دسته اهداف مستقیم و غیر مستقیم تقسیم کرد اهداف مستقیم همان اهدافی هستند که انتظار می‌رود مشخصاً دیپلماسی علمی در حوزه علم و فناوری محقق نماید از جمله توسعه علمی، ظرفیت سازی علمی، افزایش توانمندیهای علمی و فنی و تسهیل همکاری های علمی بین المللی اهداف غیرمستقیم را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول اهداف اقتصادی و توسعه ای، شامل اهداف تجاری و رقابت پذیری و تسهیل جریانهای تجاری فناورانه و دسترسی به منابع ارزشمند و رقابتی و دسته دوم اهداف سیاسی و دیپلماتیک، مانند پیشبرد اهداف سیاست خارجی، ایجاد راه های دیپلماتیک و توسعۀ ظرفیتهای دیپلماسی است. (نریمانی و همکاران، ۱۴۰۴: ۹۲)

۱-۳. همکاری های علمی و دیپلماسی علمی

دیپلماسی علمی بخشی از دیپلماسی عمومی است؛ آموزش یکی از مهم ترین ابعاد سیاست خارجی است و همکاری علمی به مثابه سرمایه گذاری برای آینده روابط دیپلماتیک بین ملت ها و تعدیل خصومت بین دولت ها است. (سعیدی، ۱۴۰۴: ۷۰) همکاری های علمی شامل تبادل استاد-دانشجو، پروژه های مشترک، انتشارات مشترک و ژورنال های بین المللی است. دیپلماسی علمی پلی میان این همکاری ها و سیاست خارجی است. مقالات اخیر نشان می‌دهد که چنین همکاری‌هایی سرمایه اجتماعی فراملی ایجاد می‌کند. طی سالیان اخیر و با توجه به تغییرات صورت گرفته در حوزه فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی، ضرورت توجه بیشتر به همکاری های علمی احساس می‌شود. توسعه همکاری های علمی بین المللی در دنیای امروز و به خصوص در حوزه علم و فناوری، شالوده اصلی رشد و توسعه علمی هر کشور در فرآیند توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. دیپلماسی علمی به عنوان یکی از رویکردهای نوین در روابط بین الملل، نقشی کلیدی در توسعه همکاری های علمی و فناوری، کاهش تنشها و تقویت روابط میان کشورها ایفا میکند. در خاورمیانه، منطقه‌ای که همواره با تنش های سیاسی و رقابت های ژئوپلیتیکی مواجه بوده است، بهره گیری از دیپلماسی علمی می‌تواند بستری برای ایجاد صلح و ثبات پایدار فراهم کند. (درشتی، ۱۴۰۳: ۶۱)

متغیرهای شناسایی شده را در چهار مقوله کلی ساختاری، ملی، زیرساختی و بین‌المللی قرار می‌دهند. در بعد ساختاری می‌توان به همکاری‌های علمی بین‌المللی، تبادلات علمی استاد و دانشجو، آموزش و توجه به هنجارهای بین‌المللی، تسهیل روایید برای همکاری‌های علمی، تدوین ضوابطی در راستای انتشار نتایج مطالعات بین‌المللی، فرصت‌های مطالعاتی و غیره اشاره کرد. در بعد ملی، نقش‌آفرینان حوزه دیپلماسی مانند دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، مراکز دانش‌بنیان، مراکز رشد، پارک‌های علم و فناوری و شوراهای سیاست‌گذاری در حوزه سیاست خارجی و علم و فناوری مورد توجه است. در بعد زیرساختی، مسائل مالی و حمایت مادی و معنوی از دیپلماسی علم و فناوری، توسعه ارتباطات مجازی، تقویت زیرساخت‌های آموزش مجازی و در بعد بین‌المللی نیز نمایشگاه‌های علم و فناوری، بین‌المللی‌سازی آموزش و استفاده از چهره‌های بین‌المللی قرار دارد. (وزیری و صبوری، ۱۴۰۰: ۱۳) این دسته‌بندی چهارگانه چارچوب جامعی برای تحلیل و سیاست‌گذاری در حوزه دیپلماسی علمی فراهم می‌آورد.

پژوهشگرانی به نقش هم‌گرایی دیپلماسی علمی و حکمرانی داده در زیست‌بوم علم، فناوری و نوآوری اشاره می‌کنند. دیپلماسی علم و فناوری به‌عنوان یک کاتالیزور در ارتقاء جایگاه کشورها در بسیاری از قلمروها محسوب و به‌مثابه پلی میان همکاری‌های پژوهشی و فناوری لحاظ می‌شود. حکمرانی داده و اطلاعات، در فرآیندهای سیاست‌گذاری همچنین الزامات و دستاوردهای این تعاملات نقش داشته و علاوه بر ایجاد آگاهی می‌تواند موجب راهبری، کنترل و هماهنگی هرگونه اقدام از سوی کشورها، مؤسسات و متخصصان برای کسب و تحقق منافع فردی یا مشترک شود. امروزه داده به‌عنوان یک دارایی راهبردی و قدرت محسوب می‌شود. (قویدل و همکاران، ۱۴۰۴: ۳۳) این هم‌گرایی میان دیپلماسی علمی و حکمرانی داده می‌تواند زمینه‌ساز تحولات ژرف در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جهانی گردد.

۲. زمینه تاریخی و زمینه‌سازی‌های دیپلماسی علمی در جهان اسلام

علم و نگاه ویژه به آن از ویژگی‌های بنیادین مکتب اسلام است. نگاه اسلام نسبت به علم و علم‌آموزی سبب شد مسلمانان علاوه بر کسب علوم اسلامی در مکان جغرافیایی خود در طول تاریخ به هر سرزمینی راه یافتند از فراگرفتن علوم آن سرزمین نیز کوتاهی نکردند و در برابر دانش دیگران بی‌اعتنا نبودند. در نتیجه از اواخر قرن هشتم تا اواخر قرن دوازدهم می‌آید حدود

چهار قرن، جهان اسلام طلایه دار علم و دانش در سراسر جهان بود. اما از قرن سیزدهم به اینسو، رفته رفته این سکандاری به دنیای غرب منتقل شد. (هدایتی، ۱۳۹۹: ۱۱۸) از سوی دیگر تاریخ ارتباطات علمی جهان اسلام به دوران طلایی تمدن اسلامی بازمی‌گردد، اما عصر مدرن با تأسیس سازمان همکاری اسلامی (۱۹۶۹) آغاز می‌شود و در دوران معاصر، انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر استقلال علمی، الگویی برای همگرایی ارائه داد. پروژه‌های COMSTECH و بنیاد علم و فناوری مصطفی نمادی از این تلاش است و جمهوری اسلامی ایران با گسترش همکاری‌های علمی، نقش سازنده‌ای در منطقه داشته است. (آرایی، ۱۴۰۲: ۳۵)

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که علوم اسلامی کلاسیک مبنای همگرایی بود و امروز باید با دیپلماسی علمی احیا شود. هدایتی (۱۳۹۹: ۱۱۷) این را تقویت می‌کند که نقشه راه توانمندسازی علمی جهان اسلام می‌تواند به عنوان چارچوبی برای توسعه همکاری‌های علمی در آینده مورد استفاده قرار گیرد. این نقشه راه می‌تواند با ترکیب ظرفیت‌های تاریخی و ابزارهای نوین دیپلماسی علمی، زمینه بازگشت جهان اسلام به دایره قدرت را فراهم آورد. تجارب گذشته نشان می‌دهد که توسعه روابط علمی راهبردی و همکاری‌های علمی بین کشورها و یا حتی بلوک‌های رقیب می‌تواند از شکست‌های دیپلماتیک جلوگیری کند و احتمال درگیریه‌ها و تنش‌های در عرصه جهانی را کاهش دهد. همچنین در شرایط امروزی، جهان با معضلات متعدد و متنوعی روبه‌رو است که در مواردی حل آنها از ظرفیت و توان علمی و فنی یک کشور به تنهایی خارج است. (موحدی و یوسفی، ۱۴۰۰: ۳)

مسئله وحدت و همگرایی از اهداف اساسی شریعت اسلامی و دغدغه اصلی مصلحان اسلامی بوده است، با این حال جهان اسلام همچنان با بحران تفرقه و پراکندگی روبه‌رو است. بنابراین آینده همگرایی اسلامی نیازمند عبور از وضعیت موجود به منظور تصور و تحقق آینده‌ای مطلوب و متحد است. (کاظمی، ۱۴۰۴: ۱۴۸) از سوی دیگر، روابط اقتصادی و دیپلماسی میان کشورهای اسلامی می‌تواند نقطه آغاز همگرایی در جهان اسلام باشد، زیرا همکاری اقتصادی شرط بنیادین همگرایی است و جهان اسلام ظرفیت‌های اقتصادی ارزشمندی از جمله انرژی، معادن، نیروی کار و موقعیت ژئوپلیتیکی در تجارت دارد (کاظمی، ۱۴۰۳: ۲۷). این ظرفیت‌ها اگر با ابزار دیپلماسی علمی ترکیب شوند، می‌توانند زمینه‌ساز همگرایی پایدارتری گردند.

در اسناد بالادستی کشور، سند چشم‌انداز بیست‌ساله، برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه و سند راهبردی کشور در امور نخبگان حاوی پیام‌هایی در زمینه دیپلماسی علمی است: جایگاه اول

علمی و فناوری در منطقه، هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخشی در جهان اسلام، تعامل سازنده و مؤثر با جهان، فعالیت و مؤثر بودن در جهان اسلام، تأثیرگذاری بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای، عزت، حکمت و مصلحت. تصویری که از مجموع این نکات حاصل می‌شود چشم‌انداز و دورنمای کلی بسیاری از فعالیت‌های کشور در عرصه بین‌المللی را تعیین می‌کند و از این رو همکاری‌های بین‌المللی در عرصه علم و فناوری را نیز باید در این راستا تعریف کرد.

آمار تولیدات علمی ایران نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۹۴۵ تاکنون، کشور ایران صدها هزار مدرک علمی را در پایگاه‌های بین‌المللی نمایه کرده است که بخش قابل توجهی با مشارکت نویسندگان سایر کشورها نگاشته شده است. شبکه همکاری علمی نویسندگان ایران با نویسندگان سایر کشورها نشان می‌دهد که بیشترین همکاری میان ایران و نویسندگانی از کشورهای مختلف از جمله ترکیه بوده است. این آمار نشان‌دهنده ظرفیت بالای همکاری‌های علمی ایران با کشورهای اسلامی است. با این حال، همان‌طور که قویدل و همکاران نشان می‌دهند، سهم ایران در حوزه دیپلماسی علمی و حکمرانی داده کمتر از یک درصد تولیدات علمی بین‌المللی بوده است. این تناقض میان رشد کمی تولیدات علمی و ضعف در حوزه دیپلماسی علمی نیازمند توجه جدی سیاست‌گذاران است. (قویدل و همکاران، ۱۴۰۴: ۱۰)

۳. دیپلماسی به عنوان ابزار همگرایی در جهان اسلام

دیپلماسی علم و فناوری یکی از اهداف قطعی اسناد بالادستی در حوزه علم و فناوری در ایران است. جوایز علمی بین‌المللی ظرفیت بالایی برای تحقق اهداف دیپلماسی علم و فناوری دارند. جایزه مصطفی نماد بزرگ علم و فناوری در جهان اسلام است که می‌تواند نقش قابل توجهی در توسعه روابط علمی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و دیپلماسی علمی در جهان اسلام ایفا کند. این پژوهش با هدف پیشنهاد سیاست‌هایی برای معرفی این جایزه به عنوان ابزار دیپلماسی علم و فناوری انجام شده است. روش کیفی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۰ سیاست‌گذار و مجری جایزه به کار گرفته شده است. در نهایت با تحلیل محتوا و تدوین مقوله‌های یکپارچه‌کننده، مجموعه‌ای از سیاست‌ها پیشنهاد شده است. اعتبار بخشی، شبکه مخاطبان، نهادینه‌سازی و ساختار جایزه از جمله مؤلفه‌های اصلی سیاست‌های معرفی شده هستند. مضامین اصلی از جمله مخاطبان جهان اسلام، غیردولتی‌سازی جایزه، حمایت دولتی، همکاری علمی و فناوری بین‌المللی، تأکید بر ترجیح آثار فناورانه بر آثار بنیادی، شبکه‌سازی و ترویج و نظام داوری

استخراج شده‌اند (نریمانی و همکاران، ۱۴۰۴: ۱۲). دیپلماسی سیاسی-فرهنگی از طریق سازمان همکاری اسلامی و مجمع تقریب مذاهب عمل می‌کند؛ اما دیپلماسی علمی قدرتمندتر است زیرا مستقیماً به سرمایه انسانی و فناوری می‌پردازد. در نمونه‌های موفق، ترکیه با برنامه‌های تبادل دانشجویی و ایران با پروژه‌های بنیاد مصطفی، الگو ارائه می‌دهند. صنایع اجلال در بررسی موردی نقش همکاری‌های علمی، تأکید می‌کند که این همکاری‌ها به کاهش واگرایی کمک می‌کنند.

دیپلماسی فرهنگی از طریق مناسک دینی نیز تحقق می‌یابد. حج به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان دین اسلام، صرفاً مجموعه‌ای از مناسک عبادی فردی نیست، بلکه پدیده‌ای چندبعدی و دارای ظرفیت‌های فراوان برای تأثیرگذاری بر روابط اجتماعی و سیاسی مسلمانان است و در آموزه‌های اسلامی تأکید بر منافع جمعی و اجتماعی حج وجود دارد که یکی از مهم‌ترین این منافع، شکل‌گیری ارتباطات و در نهایت همگرایی است (کاظمی، ۱۴۰۴: ۱۵۸-۱۶۰). این ظرفیت جمعی می‌تواند با ابزارهای دیپلماسی علمی تقویت شود. وی اشاره می‌کند که امروزه نظام اقتصاد بین‌الملل دارای ویژگی‌هایی همچون جهان‌شمولی و مرزهای سیال است. در این شرایط ساختاری، دغدغه دولت‌ها از مسائل امنیتی و سیاسی به مسائل اقتصادی و سهیم شدن در بازارهای تولید، تجارت و سرمایه جهانی تغییر کرده است. (کاظمی، ۱۴۰۳: ۳۰) مهم‌ترین ویژگی این تحول کارکردی، گذار از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان ابزار نوین و کارآمد تعامل در اقتصاد و سیاست جهانی است. این گذار می‌تواند با گذار مشابهی در حوزه دیپلماسی علمی همراه گردد.

آقای درشتی در مطالعه تطبیقی راهبردهای دیپلماسی علمی ترکیه، امارات متحده عربی و عربستان سعودی نشان می‌دهد که ترکیه با تمرکز بر برنامه‌های تبادل دانشجویی و ایجاد دانشگاه‌های بین‌المللی، امارات با جذب مراکز تحقیقاتی بین‌المللی و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین و عربستان با تأسیس شهرهای علمی و همکاری با دانشگاه‌های برتر جهان، توانسته‌اند جایگاه خود را در دیپلماسی علمی منطقه ارتقاء دهند. ایران با وجود داشتن سابقه علمی قابل توجه، در زمینه دیپلماسی علمی از این کشورها عقب‌تر است و نیازمند تدوین راهبردهای جامع و منسجم در این حوزه می‌باشد. (درشتی، ۱۴۰۳: ۵۵) این مقایسه تطبیقی می‌تواند درس‌های مهمی برای سیاست‌گذاری ایران فراهم آورد.

۴. همکاری‌های علمی به‌عنوان دیپلماسی نرم و قدرت نرم

در خاورمیانه که همواره با بی‌ثباتی سیاسی، درگیری‌های فرقه‌ای و رقابت‌های ژئوپلیتیک روبه‌رو بوده است، دیپلماسی علمی فرصتی برای ایجاد صلح و ثبات پایدار ارائه می‌دهد. ترکیه، امارات متحده عربی و عربستان سعودی به‌طور استراتژیک در دیپلماسی علمی سرمایه‌گذاری کرده‌اند تا جایگاه جهانی خود را تقویت و قدرت نرم خود را افزایش دهند. هر کشور مسیرهای متفاوت اما همپوشانی را دنبال کرده و بر مشارکت‌های بین‌المللی، پیشرفت‌های فناورانه و جذب استعداد تأکید دارد (درشتی، ۱۴۰۳: ۵۵). افزایش نقش عوامل خارج از کشور در حوزه دیپلماسی، به‌ویژه تقویت نقش مشاوران علمی و فناوری در شناسایی ظرفیت‌های کشور مقصد و معرفی ظرفیت‌ها، تدوین نقشه راه متمرکز بر نهادهای مسئول بخش علم و فناوری، تنظیم بوروکراسی تعاملات بین‌المللی میان بازیگران دانشگاهی و صنعتی و تسهیل رویه‌های کنسولی از جمله پیشنهادهاى عملی همکاری‌های علمی است (سعیدی، ۱۴۰۴: ۶۹-۹۹). بنا بر این علم و فناوری به‌عنوان حمایت‌گر و پشتوانه تأمین و تحقق اهداف سیاست خارجی عمل می‌کند. (مقیمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰۰)

۴-۱. پروژه‌های بنیاد علم و فناوری مصطفی و جایزه مصطفی

امروزه اهمیت علم و فناوری به قدری افزایش یافته که یکی از مؤلفه‌های قدرت ملی در کشورها شناخته می‌شود. از طرفی موضوعات علم و فناوری به قدری پیچیده و گسترده است که کشورها برای حل مسائل ملی و فراملی و دستیابی به توسعه به گسترش همکاری با سایر کشورها نیازمندند. جمهوری اسلامی ایران نیز برای تحقق اهداف سیاست‌های علم و فناوری خود به دنبال استفاده از رویکردهای مختلف دیپلماسی در عرصه علم و فناوری است. با مرور نظام‌مند مشخص شد که تا سال ۲۰۲۲ دوازده رویکرد به دیپلماسی علم و فناوری شامل نفوذ، وابستگی، پیوندادن، همکاری، توسعه علم، فرصت‌سازی، مشارکت، جذب، نوآوری، برندسازی، بسیج علمی و رویکرد جهانی علم در جهان وجود داشته و با تحلیل مضامین اسناد بالادستی سیاست خارجی ج.ا.ایران مشخص شد که جمهوری اسلامی ایران به هفت رویکرد در دیپلماسی علم و فناوری توجه دارد (باغبان و سنایی، ۱۴۰۳: ۴۴). بنیاد مصطفی با تعریف پروژه‌های همکاری بین‌المللی، مسائل کشورهای اسلامی را حل می‌کند. این جایزه با ایجاد شبکه‌ای از پژوهشگران برتر جهان اسلام، به تقویت همکاری‌های علمی و ایجاد سرمایه اجتماعی فراملی

کمک کرده است. جایزه مصطفی با معرفی پژوهشگران برجسته جهان اسلام، به تقویت هویت علمی مشترک و ایجاد الگوهای موفق برای نسل جوان دانشمندان مسلمان کمک کرده است. این جایزه با جلب توجه جهانی به دستاوردهای علمی کشورهای اسلامی، نقش مهمی در ارتقاء دیپلماسی علمی جهان اسلام ایفا می‌کند. مضامین اصلی استخراج شده شامل مخاطبان جهان اسلام، غیردولتی‌سازی جایزه، حمایت دولتی، همکاری علمی و فناورانه بین‌المللی، تأکید بر ترجیح آثار فناورانه بر آثار بنیادی، شبکه‌سازی و ترویج و نظام داوری است. (نریمانی و همکاران، ۱۴۰۴: ۱۲) این مضامین می‌توانند به عنوان راهنمای عملی برای تقویت ابزارهای مشابه به کار روند.

۴-۲. COMSTECH و برنامه‌های جهانی

یکی از راه‌های رشد و توسعه فناوری، همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای کشورها با یکدیگر است. کمیته دائمی همکاری‌های علمی و فناوری سازمان کنفرانس اسلامی یکی از مراکز فعال در این زمینه است که به منظور افزایش همکاری‌های علمی و ارتقاء سطوح ارتباطات علمی کشورهای اسلامی تاسیس شده است. این کمیته که اختصاراً کامستک نامیده می‌شود با هدف و تأکید بر توسعه آموزش‌های تکمیلی، سرمایه‌گذاری در بخش تحقیقات، توجه ویژه به فناوری اطلاعات، مبادله اطلاعات میان کشورهای اسلامی و جلوگیری از فرار مغزها شکل گرفته است. COMSTECH با پروژه‌های متعدد شبکه‌ای از همکاری ایجاد کرده است. هدایتی به نقش COMSTECH در توانمندسازی علمی کشورهای اسلامی پرداخته است. COMSTECH با اجرای پروژه‌های مشترک پژوهشی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و ایجاد شبکه‌های همکاری علمی، نقش مهمی در ارتقاء سطح علمی کشورهای اسلامی ایفا کرده است. (هدایتی، ۱۳۹۹: ۸) این نهاد می‌تواند به عنوان یکی از ارکان اصلی نقشه راه توانمندسازی علمی جهان اسلام عمل کند.

۴-۳. نمونه‌های موردی عراق، ترکیه، امارات و عربستان

آقای سعیدی در پژوهشی، چهار بُعد آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و اجرایی دیپلماسی علمی میان ایران و عراق را بررسی کرده است. افزایش نقش عوامل خارج از کشور در حوزه دیپلماسی، به‌ویژه تقویت نقش مشاوران علمی و فناوری، تدوین نقشه راه متمرکز بر نهادهای مسئول بخش علم و فناوری، تنظیم بوروکراسی تعاملات بین‌المللی، تسهیل رویه‌های کنسولی، توسعه پایگاه

داده ورودی و خروجی مؤسسات آموزش عالی به منظور تقویت شبکه سازی، ارزیابی مستمر نیازهای بازار و شرایط محیطی کشور مقصد، تلاش برای تعریف یکپارچه و واقع بینانه از جهان و روابط بین الملل، افزایش سواد فرهنگی بازیگران حوزه دیپلماسی علمی و بین المللی سازی دانشگاه ها و سرمایه گذاری در افزایش کیفیت منابع انسانی از جمله پیشنهادهای مؤثر در پیشبرد دیپلماسی علمی ایران است. این پیشنهادها نشان دهنده ضرورت رویکرد چندبعدی و جامع به دیپلماسی علمی است. (سعیدی، ۱۴۰۴: ۶۹)

در میان کشورهای خاورمیانه، ترکیه، امارات متحده عربی و عربستان سعودی به عنوان بازیگران اصلی منطقه ای تلاش کرده اند با بهره گیری از دیپلماسی علمی، جایگاه خود را در عرصه بین المللی ارتقا دهند. (درشتی، ۱۴۰۳: ۶۳) وی در نتیجه گیری پژوهش خود نشان می دهد که ایران با وجود داشتن سابقه علمی قابل توجه، در زمینه دیپلماسی علمی از این کشورها عقب تر است. ترکیه، امارات و عربستان هر یک مسیرهای متفاوتی را برای تقویت قدرت نرم علمی خود دنبال کرده اند که می تواند الگویی برای ایران باشد. تمرکز ترکیه بر تبادلات دانشجویی، تمرکز امارات بر جذب مراکز تحقیقاتی و تمرکز عربستان بر تأسیس شهرهای علمی، سه الگوی متفاوت اما مکمل را نشان می دهد که می تواند در طراحی راهبردهای ایران مورد توجه قرار گیرد. (درشتی، ۱۴۰۳: ۹۵-۹۸)

۴-۴. ظرفیت نهاد وقف

دیپلماسی های نوین از مهم ترین مسائل فرهنگ و ارتباطات در جهان معاصر است. نهاد وقف را می توان به عنوان یکی از نهادهای مردمی در جهان اسلام جهت استفاده در مسیر اهداف دیپلماسی مورد بررسی قرار داد. از جمله راهکارهای مهم استفاده از نهاد وقف، ایده دیپلماسی علمی در جهان اسلام است. مسئله این پژوهش تبیین دیپلماسی علمی با استفاده از ظرفیت های نهاد وقف و کشف راهبردهای آن است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای و تحلیل آن ها مبتنی بر روش تحلیل مضمون است. بر اساس نتایج، سه مضمون اصلی «تبیین دیپلماسی علمی وقف»، «ضرورت دیپلماسی علمی وقف» و «راهبردهای دیپلماسی علمی وقف» به دست آمده است. دیپلماسی علمی وقف به ظرفیت های نهاد وقف و استفاده از آن ها در مسیر اهداف دیپلماسی عمومی اشاره دارد که یکی از این ظرفیت ها راه اندازی و به کارگیری مراکز و سازوکارهای علمی در این جهت است. خطرات جهانی شدن کنونی، لزوم ایجاد قدرت منطقه ای و

جهانی تشیع، سیل اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی، لزوم فعال شدن بخش مردمی و اهمیت دیپلماسی از طریق مراکز علمی، هرچه بیشتر ضرورت دیپلماسی علمی از طریق نهاد وقف را آشکار می‌سازد (غیائی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۰). این ضرورت‌ها نشان‌دهنده اهمیت بخش سوم و نهادهای مردمی در تکمیل دیپلماسی رسمی است.

آقایان غیائی و همکاران نشان می‌دهند که نهاد وقف با سابقه تاریخی خود در حمایت از علوم و معارف اسلامی، می‌تواند به‌عنوان یک الگوی بومی برای تأمین مالی دیپلماسی علمی در جهان اسلام مورد استفاده قرار گیرد. توجه به پیشرفت‌های نوین علمی، ایجاد هماهنگی با مراکز علمی دیگر کشورها برای ایجاد پژوهشکده‌های مشترک، بهره‌گیری از مؤلفه‌های گفتمان اسلام ناب برای همگرایی منطقه‌ای و جهانی از مهم‌ترین راهبردهای دیپلماسی علمی وقف از طریق مراکز علمی هستند. این راهبردها می‌توانند وابستگی به منابع دولتی را کاهش داده و پایداری همکاری‌های علمی را افزایش دهند. (غیائی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱۵)

۵. چالش‌ها، موانع و خلأهای اسنادی

چالش‌های ساختاری شامل تحریم‌ها، تفاوت‌های فقهی و هزینه‌های بالا است. موانع سیاسی و امنیتی، رقابت ژئوپلیتیک و ضعف زیرساخت‌ها نیز مانع اصلی هستند. (کاظمی، ۱۴۰۴: ۱۶۲) موانع تحقق همگرایی می‌تواند برای حوزه دیپلماسی علمی نیز قابل تعمیم باشد: اختلافات مذهبی و فقهی، سوءاستفاده از ظرفیت برای تبلیغات فرقه‌ای، مانع ملیتی و قوم‌گرایی و موانع ساختاری و سیاسی. اختلافات مذهبی گاه چنان عمیق می‌شود که به‌جای همگرایی، به واگرایی و تفرقه دامن می‌زند. قوم‌گرایی به تمایل افراد به این موضوع اشاره دارد که فرهنگ یا گروه قومی خود را برتر از دیگران بدانند و این طرز فکر می‌تواند پیامدهای مهمی برای تعاملات و روابط اجتماعی داشته باشد (کاظمی، ۱۴۰۴: ۱۶۵-۱۷۰). این موانع در حوزه دیپلماسی علمی نیز به‌صورت تفاوت‌های فقهی، رقابت‌های ناسالم و ضعف هماهنگی نهادی ظهور می‌یابند.

چالش‌های ساختاری دیپلماسی علم و فناوری یکی از مهم‌ترین موانع است. با وجود اقداماتی که در این حوزه انجام شده، وجه غالب برنامه‌ها برای نمونه در ایران بر توسعه روابط بین‌الملل دانشگاه بوده است و لازم است سایر بازیگران نیز در نظر گرفته شوند. لذا با توجه به اینکه عوامل متعددی در توسعه دیپلماسی علم و فناوری نقش دارند، ضروری است هماهنگی مناسبی به‌منظور انجام اهداف موردنظر صورت پذیرد. لازم است یک نهاد مشخص متولی این

موضوع باشد تا ضمن هماهنگی میان بازیگران اصلی این حوزه از تداخل وظایف نیز جلوگیری کرده تا اثربخشی قابل قبولی داشته باشند. (وزیری و صبوری، ۱۴۰۰: ۲۹)

همچنین به چالش ضعف زیرساخت‌های داده و اطلاعات در کشورهای اسلامی اشاره کرد. حکمرانی داده و اطلاعات با ارائه دسترسی به داده‌ها و اطلاعات موثق و دقیق، تصمیم‌گیری‌های بهتر و عقلانی‌تر را تسهیل می‌کند، الگوها و روندها را شناسایی، فرآیند نوآوری را تقویت می‌کند و تحقیقات علمی را پیشرفت می‌دهد. سهم ناچیز ایران در تولیدات علمی این حوزه نشان‌دهنده ضرورت برنامه‌ریزی جدی است. (قویدل و همکاران، ۱۴۰۴: ۲۷)

یکی از مهم‌ترین خلأهای اسنادی در ایران، عدم انعکاس مستقیم دیپلماسی علمی در نقشه جامع علمی کشور است. با وجود نقاط قوت مطرح شده در اسناد بالادستی، ابهام چشمگیری در زمینه دیپلماسی علمی وجود دارد. تمرکز خاص بر شاخص‌های مبتنی بر دیدگاه‌ها، ساختارها و شاخص‌های شکل گرفته توسط جریان علمی و فناوری مسلط جهانی (مانند نشریات و رتبه‌بندی‌های بین‌المللی) در خلاف جهت رویکرد مبتنی بر آگاهی، هشیاری، مقاومت، استقلال و گزینش آگاهانه قرار می‌گیرد.

۶. راهبردهای عملی و پیشنهاد‌های سیاست‌گذاری

۶-۱. تقویت نهاد‌های همگرایانه و بین‌المللی‌سازی آموزش عالی

ایجاد مراکز همگرایی علمی و تحلیل وضع موجود، پیش‌بینی ادامه روند، آینده آن و برنامه اجرایی. این مدل می‌تواند به عنوان چارچوبی برای تدوین برنامه‌های عملی در حوزه دیپلماسی علمی مورد استفاده قرار گیرد. دیپلماسی علم و فناوری: دیپلماسی علم و فناوری استفاده از همکاری‌های علمی برای رفع مشکلات مشترک و ایجاد روابط بین‌المللی آسان و حساب‌شده است. به این علت دیپلماسی علمی طیف گسترده‌ای از تبادل‌های رسمی یا غیررسمی در حوزه‌های فنی پژوهش محور، دانشگاهی و فناورانه و غیره را در بر می‌گیرد. (باغبان و سنایی، ۱۴۰۳: ۴۵) در این دیپلماسی پروژه‌های دوجانبه با تمرکز بر علوم پایه و فناوری، بر تسهیل رویه‌های کنسولی و توسعه پایگاه داده مؤسسات آموزش عالی تأکید دارد. (سعیدی، ۱۴۰۴: ۶۹)

برخی پژوهشگران لزوم تقویت درگاه‌های همکاری علمی و انعقاد پیمان‌های بین‌المللی را برجسته می‌کنند. (صنیع‌اجلال و حسینی‌مقدم، ۱۳۹۹: ۱۴۶) این اقدامات می‌تواند واگرایی موجود را کاهش داده و مزیت‌های نسبی کشورهای اسلامی را به فعلیت برساند.

۶-۲. همکاری دانشگاه-صنعت، فناوری و استفاده از جوایز علمی

تلاش گردد مدل‌های موفق مانند ایران-ترکیه و ایران-عراق را در تمام کشورهای اسلامی گسترش دهیم. تنظیم بوروکراسی تعاملات بین‌المللی میان بازیگران دانشگاهی و صنعتی از پیشنهاد‌های راهگشا است. این همکاری می‌تواند پژوهش‌های علمی را به نیازهای صنعتی متصل کرده و کارایی اقتصادی را افزایش دهد. نقش دانشگاه‌ها در ایجاد وابستگی کشورهای دیگر به فناوری تولیدشده؛ تلاش برای اثبات کارآمدی فناوری تولیدشده به‌منظور تسهیل و تسریع صدور آن به خارج از کشور. (مقیمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰۳)

بر اساس پیشنهاد متفکران جایزه مصطفی و جوایز علمی مشابه می‌توانند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای دیپلماسی علمی جهان اسلام تقویت شوند. اعتباربخشی، شبکه مخاطبان، نهادینه‌سازی و ساختار جایزه از مؤلفه‌های اصلی هستند. غیردولتی‌سازی جایزه همراه با حمایت دولتی می‌تواند پایداری و مشروعیت آن را افزایش دهد. جوایز علمی یکی از ابزارهای شناخته شده توسعه همکاری‌های علمی و فناورانه یک کشور با سایر کشورها است. جایزه علمی فناوری پیامبر اعظم (ص) با عنوان انگلیسی Prize Mustafa جایزه عالی فناوری در جمهوری اسلامی ایران و نشان عالی علم و فناوری جهان اسلام است. استفاده از جایزه برای ایجاد و تقویت ارتباط و حرکت جمعی دانشمندان و فناوران جهان اسلام و بسترسازی برای حضور موثرتر آنها و در نتیجه کشورهای اسلامی در تعاملات علمی بین‌المللی از اهدافی است که همسو با دیپلماسی علمی است. بررسی و دقت نظر در سایر جوایز معتبر دنیا در حوزه علم و فناوری نیز نشان‌دهنده این واقعیت است که کشورها از این ابزار برای توسعه دیپلماسی به‌طور عام و همچنین توسعه دیپلماسی علم و فناوری به‌طور خاص استفاده می‌کنند. (نریمانی و همکاران، ۱۴۰۴: ۸۹)

۶-۳. استفاده از ظرفیت نهاد وقف و توسعه دیپلماسی علمی بر اساس آموزه‌های دینی

غیائی و همکاران آن در پژوهشی پیشنهاد می‌کنند که نهاد وقف می‌تواند به‌عنوان منبع مالی پایدار برای تأمین بودجه پروژه‌های علمی و همکاری‌های پژوهشی در جهان اسلام مورد استفاده قرار گیرد. ایجاد صندوق‌های وقفی برای حمایت از دیپلماسی علمی می‌تواند به کاهش وابستگی به منابع دولتی کمک کند. راهبردهای عملی شامل ایجاد پژوهشکده‌های مشترک و بهره‌گیری از گفتمان اسلام ناب است. (غیائی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲۵)

چارچوب توسعه دیپلماسی علم و فناوری با کشورهای هدف را مبتنی بر آموزه های دینی می توان ارائه داد. طبقه بندی انواع کشورها بر مبنای ایمان آن کشور در سطوح نه گانه و در سه دسته کشورهای مستضعف، هم سطح و ابرقدرت، چارچوب توسعه روابط را نشان داده است. این طبقه بندی می تواند مبنای انتخاب رویکرد مناسب برای هر دسته از کشورها قرار گیرد. (نوروزی و مفتاح، ۱۴۰۱: ۱۸۵)

۴-۶. تقویت نقش دانشگاه های علوم انسانی و حکمرانی داده و اطلاعات

پژوهش ها نشان می دهند که دانشگاه های علوم انسانی با تربیت نیروی انسانی متخصص در حوزه های زبان، فرهنگ، تاریخ و تمدن اسلامی، می توانند نقش مهمی در تقویت دیپلماسی علمی و فرهنگی ایران ایفا کنند. این دانشگاه ها می توانند با ارائه دوره های آموزشی دیپلماسی علمی و انجام پژوهش های میان رشته ای به توسعه این حوزه کمک کنند. (تسلیمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۵) همچنین اهمیت توسعه حکمرانی داده و اطلاعات در زیست بوم علم، فناوری و نوآوری مشخص شده است. مدیریت هوشمند داده ها و سیاست گذاری در این باره با واکاوی انتشارات بین المللی برای حاکمیت و دولت دارای اهمیت است. این توسعه می تواند تصمیم گیری های مبتنی بر شواهد را تسهیل کند. (قویدل و همکاران، ۱۴۰۴: ۲۹)

۵-۶. تدوین نقشه راه توانمندسازی علمی جهان اسلام

نقشه راه راهبردی و جامع تعاملات علم و فناوری کشورهای اسلامی با هدف توانمندسازی مسلمانان و افزایش قدرت جهان اسلام در آینده بلندمدت را پیشنهاد می کند. (هدایتی، ۱۳۹۹: ۱۱۷) این نقشه راه می تواند با ترکیب ظرفیت های تاریخی جهان اسلام و ابزارهای نوین دیپلماسی علمی، زمینه بازگشت به دایره قدرت را فراهم آورد.

نتیجه گیری و توصیه ها

در اینجا یک نتیجه گیری علمی، بر اساس مفاهیم مطرح شده در مقدمه و چکیده، بدون ارجاع و با لحنی تحلیلی و جمع بندی کننده ارائه می شود:

نتیجه‌گیری

بررسی نقش دیپلماسی علم و فناوری در همگرایی جهان اسلام، نشان می‌دهد که این رویکرد نوین، فراتر از یک ابزار مکمل در سیاست خارجی، می‌تواند به مثابه هسته مرکزی یک راهبرد تمدنی عمل کند. آنچه از بررسی همکاری‌های علمی، نهادهای فراملی، جوایز بین‌المللی، و تجربه‌های موفق منطقه‌ای برمی‌آید، این است که علم در گفتمان اسلامی نه یک کالای وارداتی یا ابزاری برای رقابت، بلکه جوهره هویت مشترک و میراث تاریخی امت است که می‌تواند مرزهای سیاسی و اختلافات مذهبی را به حاشیه رانده و سرمایه‌ای اجتماعی برای اعتمادسازی و گفت‌وگو ایجاد کند. دیپلماسی علمی با ایجاد شبکه‌های پژوهشی، تبادل استعدادها، و همکاری‌های دانشگاهی، بستری برای شکل‌گیری «جامعه علمی اسلامی» فراهم می‌آورد که در آن، دغدغه‌های مشترک توسعه، فقر، سلامت، انرژی و فناوری، اولویت‌های ملی را رنگ می‌بازند و به مسائلی جمعی تبدیل می‌شوند.

با این حال، مسیر تحقق این همگرایی هموار نیست. چالش‌هایی چون رقابت‌های ژئوپلیتیک، تحریم‌های علمی، نبود زیرساخت‌های مشترک، ضعف حکمرانی داده، و کم‌توجهی به اسناد بالادستی در برخی کشورها، همچنان موانعی جدی بر سر راه هستند. از سوی دیگر، تجربه کشورهای پیشرو در منطقه نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری هوشمندانه در دیپلماسی علمی، همراه با اراده سیاسی، می‌تواند این موانع را تا حد زیادی کاهش دهد. آنچه ضرورت دارد، گذار از نگاه مقطعی و پروژه‌ای به نگاه نظام‌مند و راهبردی است؛ به گونه‌ای که دیپلماسی علمی نه به عنوان فعالیت حاشیه‌ای، بلکه به عنوان محور اصلی سیاست خارجی جهان اسلام تعریف شود. در نهایت، همگرایی اسلامی از رهگذر علم، نه یک آرمان انتزاعی، بلکه امکان‌پذیری عینی است که پیش‌نیاز آن، بازتعریف منافع ملی در چارچوب منافع جمعی، تقویت نهادهای علمی فراملی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی مانند وقف، و تدوین نقشه‌راهی جامع بر اساس اولویت‌های پژوهشی مشترک است. اگر جهان اسلام بتواند از این ظرفیت به‌درستی بهره‌گیری کند، نه تنها به کارآمدی علمی و فناورانه دست می‌یابد، بلکه گامی بلند در احیای هویت تمدنی خود و تحقق «امت واحده» برمی‌دارد؛ امتی که در آن، علم پلی برای اتصال دل‌ها و افق‌ها خواهد بود. توصیه می‌شود سیاست‌گذاران به این حوزه توجه کنند تا از پتانسیل علمی استفاده شود. برخی از توصیه‌های عملی عبارتند از:

۱. تدوین سند راهبردی دیپلماسی علمی جمهوری اسلامی ایران با همکاری وزارت امور

- خارج، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری.
۲. ایجاد نهاد متولی دیپلماسی علمی با مأموریت هماهنگی میان بازیگران اصلی این حوزه و جلوگیری از تداخل وظایف.
۳. اختصاص بودجه ویژه به پروژه‌های همکاری علمی با کشورهای اسلامی و ایجاد صندوق حمایت از پژوهش‌های مشترک با بهره‌گیری از ظرفیت نهاد وقف.
۴. گسترش برنامه‌های تبادل دانشجو و استاد با کشورهای اسلامی و تسهیل فرآیندهای صدور روادید برای جامعه علمی.
۵. تقویت جایزه مصطفی و جوایز علمی مشابه برای ایجاد شبکه‌های علمی فراملی.
۶. تدوین چارچوب توسعه دیپلماسی علمی مبتنی بر دلالت‌های قرآنی و طبقه‌بندی کشورها در سطوح نه‌گانه.
۷. توسعه حکمرانی داده و اطلاعات در زیست‌بوم علم، فناوری و نوآوری.
۸. تقویت نقش دانشگاه‌های علوم انسانی در تربیت نیروی انسانی متخصص.
۹. اجرای نقشه راه توانمندسازی علمی جهان اسلام.

فهرست منابع:

۱. آرای، وحید، (۱۴۰۲)، «دیپلماسی علم و فناوری و الهام بخشی اسلامی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، شماره ۱۲، صص ۹۵-۱۱۶.
۲. اسعدی، مرتضی، (۱۳۶۶)، جهان اسلام: اردن، افغانستان، الجزایر، امارات متحده عربی، اندونزی، بحرین، برونی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۳. باغبان، مهدی و سنایی، اردشیر، (۱۴۰۳)، «تبیین رویکردهای دیپلماسی علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران»، سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۴۴-۵۸.
۴. تسلیمی، محمدسعید، نوروزی، خلیل، تارویردی‌زاده، وحید و صادقی‌کیا، محمدعلی، (۱۳۹۶)، «ارائه چارچوب توسعه دیپلماسی علمی ج.ا.ایران مبتنی بر قابلیت‌های دانشگاه امام صادق (ع) و اولویت‌بندی راهبردهای آن بر اساس روش آمیخته»، پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۲۵-۴۵.
۵. حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات پاپلی.
۶. درشتی، حنا، (۱۴۰۳)، «راهبردهای دیپلماسی علمی در خاورمیانه: مطالعه موردی ترکیه، امارات متحده عربی و عربستان سعودی»، فصلنامه تعاملات دیپلماتیک، دوره ۲، شماره ۶، صص ۵۵-۱۰۵.
۷. دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، نشر قومس، تهران، ۱۳۸۴.
۸. سعیدی، سعیده، (۱۴۰۴)، «دیپلماسی علمی؛ تحلیلی بر همکاری‌های بین‌المللی ایران با عراق در حوزه آموزش عالی»، مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۱۷، شماره ۳، صص ۶۹-۹۹.
۹. سیف‌زاده، سیدحسین، (۱۳۶۸)، نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، تهران، نشر سفیر.
۱۰. شولتسه، راینهارد، (۱۳۸۹)، تاریخ جهان اسلام در قرن بیستم، ترجمه ابراهیم توفیق، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۱. صنیع اجلال، مریم و حسینی مقدم، سیدمحمد، (۱۳۹۹)، «بین‌المللی شدن آموزش عالی و آینده‌ی همگرایی کشورهای اسلامی»، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال دوم، شماره اول، صص ۱۴۶-۱۶۶.
۱۲. صنیع اجلال، مریم، (۱۴۰۲)، «نظام جهانی علم و راهبردهای ارتقای همکاری علمی میان ایران و چین»، فصلنامه علمی راهبرد، دوره ۳۲، شماره ۲، صص ۱۰۷-۱۴۲.
۱۳. عیوضی، محمدرحیم و یدالله نصرالهی (۱۳۹۱)، همگرایی جهان اسلام و آینده تمدن اسلامی، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال اول، شماره ۳، پاییز.
۱۴. غیائی، هادی، رنجبران، رضا و صادقی‌شاهدانی، مهدی، (۱۳۹۸)، «ضرورت‌ها و راهبردهای استفاده از بخش مردمی در دیپلماسی علمی در جهان اسلام؛ مورد مطالعه: نهاد وقف»، سیاست و روابط بین‌الملل، سال سوم، شماره ۱، صص ۲۱۰-۲۳۰.
۱۵. قویدل، سمیه، دانش، فرشید و قره‌بقلو، وحید، (۱۴۰۴)، «پژوهشی پیرامون نقش هم‌گرایی دیپلماسی علمی و حکمرانی داده در زیست‌بوم علم، فناوری و نوآوری»، علوم و فنون مدیریت اطلاعات، دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۳۳-۷۰.
۱۶. کاظمی، سید آصف، (۱۴۰۴)، «کارکرد حج در همگرایی جهان اسلام؛ ظرفیت‌ها و موانع»، دو فصلنامه مطالعات سیاسی و بین‌الملل، شماره ۳ (۷)، صص ۱۴۵-۱۶۵.
۱۷. کاظمی، سید محمد آصف، (۱۴۰۳)، «دیپلماسی اقتصادی و چشم‌انداز همگرایی در جهان اسلام»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات سیاسی و بین‌الملل، شماره ۲، صص ۲۷-۵۴.
۱۸. گلی زواره، غلامرضا، (۱۳۷۲)، سرزمین اسلام شناخت اجمالی کشورها و نواحی مسلمان‌نشین جهان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۹. محمدی، محسن، کریمیان، نورالله، و حسن رضایی (۱۳۹۴)، ظرفیت‌های درونی اسلام در تقویت همبستگی با تمرکز بر نقش حج در وحدت جهان اسلام، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، سال سوم، شماره دوم، پاییز.
۲۰. مؤمنی، مصطفی، (۱۳۸۶)، مدخل جهان اسلام در دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، کتاب مرجع (بنیاد دائرةالمعارف اسلامی).

۲۱. نریمانی، میثم، عسکریان، محمد، صاحبکار خراسانی، محمد و ذاکری، امیر، (۱۴۰۴)، «جوایز علمی بین‌المللی به‌مثابه ابزار دیپلماسی علم و فناوری: مطالعه موردی جایزه مصطفی»، نشریه مدیریت بهبود، دوره ۱۹، شماره ۱، صص ۱-۲۴.
۲۲. نوروزی، خلیل، مقتاح، محسن و مرتضوی‌نژاد، سیدمهدی، (۱۴۰۱)، «استخراج چارچوب توسعه دیپلماسی علم و فناوری (دعف) با کشورهای هدف مبتنی بر دلالت‌پژوهی قرآن کریم»، راهبرد فرهنگ، سال پانزدهم، شماره ۵۹، صص ۱۷۹-۲۰۴.
۲۳. نوروزی، خلیل، هاجری، مهدی، تسلیمی، محمدسعید و مخدومی، احمد، (۱۳۹۶)، «مدل توسعه دیپلماسی علم و فناوری از منظر کارگزاران کشور»، راهبرد فرهنگ، شماره چهل‌وسوم، صص ۱-۲۳.
۲۴. هدایتی، محمدرضا، (۱۳۹۹)، «آینده‌ی تعاملات علم و فناوری ایران با کشورهای اسلامی براساس نقشه‌ی راه توانمندسازی علمی جهان اسلام»، نشریه آینده‌پژوهی، صص ۱۱۷-۱۴۸.
۲۵. وزیری، اسماعیل و صبوری، علی‌اکبر، (۱۴۰۰)، «تعاملات علمی بین‌المللی، پیشران دیپلماسی علم و فناوری»، نشریه علم و پژوهش، شماره ۱۲، صص ۱۳-۲۰.